پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (دوازدهم) دوشنبه ۶ ثور - ۱۳۴۷ هـ - ۲۷ می ۱۹۶۸ ع

آمو

پنجاه سال استقلال سیاسی

وطن ما افغانستان از نظر استراتیژی نظامی، سیاسی و اقتصادی در طول یک قرن و نیم مورد طمع بورژوازی استعمارگر انگلستان، برای تحت تسلط داشتن نیم قاره هند قرار گرفته بود.

دولت سود پرست انگلستان نقشه شوم استعماری و سبعانه ترین پالیسی را در برابر افغانستان آغاز نهاد، تا به عقیده کاذبانه بورژوازی بریتانیا از نفوذ امپراطوری تزاری روسیه بسوی هندوستان جلوگیری نماید.

انگلیس‌های اشغالگر به تدریج (طی نیمه اول قرن ۱۹) و بر اساس دسایس و حیل گوناگون به بهانه تهدید از جانب روسیه خود را به سرحدات امپراطوری فئودالی افغانستان رسانید.

یکی از عوامل عمده داخلی که موجب پیروزی استعمارگران در تجزیه و تحت نفوذ آوردن افغانستان گردید. همانا ظهور نظام فئودالی خاصی است که بعد از مرگ تیمور شاه سرزمین و مناطق کشور از طرف شهزادگان و سرداران قبیله مورد تاخت‌وتاز قرار گرفت و افغانستان به شهزاده نشین‌ها تجزیه و در بین سرداران متخاصم قبایل گردید که از یکسو دز بین خود و از سوی دیگر با امرای که در بالا حصار کابل جلوس می‌کردند، در زدوخورد و رقابت بودند.

در دورانی که قدم بقدم امتیازات گوناگون خانواده‌های صدرنشین عشایر و قبایل افغانستان رو به افزایش می‌گذاشت و به هر میزانی که اقتصاد ملاکی و فئودالی عمیق‌تر و استوارتر می‌گردید، تضاد در بین طبقه خود فئودال‌ها از یکسو و طبقه فئودال و دهقانان از سوی دیگر تشدید می‌یافت.

زمین‌داران بزرگ (رؤسای قبایل، خوانین و سرداران) زمین‌های وسیعی را که در اثر جنگ‌های داخلی و خارجی بدست آورده بودند، به شرایط فوق‌العاده سنگین و اسیر کننده به دهقانان کشور به اجاره و دهقانی میدادند و سهم بزرگ از محصولات زمین را استحصال می‌کردند و برای دهقانان سهم بخور و نمیری باقی می گذاشتند، علاوه بر آن ملاکان، دهقانان را وادار میساختند تا تکالیف جبری دیگری فئودالی را از قبیل اطاعت کورکورانه، انواع بیگاری، ازدواجهای اجباری، حق قضاوت در امور دهقانان (از طریق جرگه های ریشسفیدان) و حتی درخواست خدمت نظام در هنگام جنگ‌های داخلی و خارجی نیز ایفاء نمایند.

موجز اینکه خلق‌های زحمتکش کشور پیوسته در تحت پنجال بیرحم (استعمار، استثمار، استبداد، ارتجاع و ستم ملی) ددمنشان داخلی و خارجی دست پا می‌زدند که منجر به صدها قیام توده‌های عظیم خلق در دو جبهه علیه ستمگران داخلی و استعمارگران خارجی گردیده است.

بدین ترتیب خلق‌های افغانستان کاملاً دستخوش ظلم و ستمگری فئودال‌های محلی و دولت‌های دستنشانده و بی‌شرمانه ترین شیوهٔ سیاست استعماری کهن انگلیس قرار گرفت.

اشغالگران انگلیس از تضاد فئودال‌های محلی به حد اعلی بهره

در (ص ۳)

دملی استقلال په لیاره کی د افغانستان

د خلکو د قیام د پنځوسمی کالیزی په خاطر

پښتو متن:

پرچم د خلکو د دموکراتیکو افکارو خپرونکی، د استعمار او امپریالیزم پر ضد زموږ د زیار ایستونکو او زړه ورو خلکو دوسله ایز قیام د پنځو سمی کالیزه په خاطر.

د استقلال په لاره کښی دبی شماره قربانیانو په خاطر،

زموږ د شهیدانو او قربان شویو پلرونه په یاد،

د افغانستان د خلکو آزادی غوښتونکو او قهرمانو زمنو د خلاندو او ګرانو خاطرو لپاره او دهغو قهرمانیو په خاطر چه دوی جګړی په ډګر کی اویاته نه زغمیدونکو شکنجو لاندی په کړیواوخنځیرونوکی، په تورو زندانونواو تبعیدګاهو او یا د دار تر رسی لاندی، د استقلال او آزادی په لیاره کی ګاللی او ځان یی تری جار کړی دی.

دهیواد د ټولو ګمنامو شهیدانو په خاطر چه استبداد، ارتجاع او استعمار د توطئو قربانی شویدی، ټولو وطنوالو او د افغانستان او پښتونستان زیار ایستونکو خلکو ته چه دملی آزادی بخښونکی نهضت دسر ته رسولو په لیاره کی مبارزی کوی،

دویتنام خلکو او د عربو خلکو ته او د ټولی آسیایی، افریقایی او لاتینی امریکا خلکو ته چه د امپریالیسو استعمارچیانو پر ضد او دملی استقلال، آزادی او دموکراسی، د بسیاکولو په لیاره کی مقدس او عادلانه پیکار کوی، له شوره ډک درودونه استوی!

او ددی ورځی په مناسبت له ټولو زیار ایستونکو خلکو، دهیواد له ټولو وطنپرستو او ترقی غوښتونکو قوتونو، او د وطن له ټولو بالقوه مبارزانو څخه، غوښتنه کیږی چه زموږ د هیواد د خلکو آزادی‌بخشونکی ملی نهضت د عادلانه شعاری پرچم لاندی، وحدت او اتحاد سره د وروستی بری خواته، دغایی هدف او نیکمرغی لورته په وړاندی بوزی.

متن دری:

پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق به مناسبت پنجاهمین سال یاد بود قیام مسلحانه ملی خلق‌های دلیر و زحمتکش کشور ما افغانستان علیه استعمارگران امپریالیست،

بخاطر قربانیهای بیشمار خلق ما در راه استقلال،

بیاد بود پدران شهید و قهرمان ما،

بخاطرهٔ تابناک بهترین و ارزند ترین فرزندان آزادیخواه و قهرمان خلق افغانستان و قهرمانیهای که در عرصهٔ پیکار و در زیر شکنجه های تحمل نا پذیر و یا در غل و زنجیر و زندانهای سیاه و تبعیدگاه ها و یا در زیر چوبه های دار در راه به سرانجام رساندن جنبش آزادی‌بخش ملی مبارزه می‌کنند،

به خلق قهرمان ویتنام و خلق‌های عرب و تمام خلق‌های ملل کشورهای آسیائی، آفریقائی، و آمریکای لاتین که علیه استعمارگران امپریالیست در راه تأمین استقلال ملی، آزادی و دموکراسی به پیکار مقدس و عادلانه می‌پردازند، درود پر شور میفرستد!

و بمناسبت این روز از تمام خلق‌های زحمتکش، از تمام نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه کشور و سایر مبارزان بالقوه وطن، دعوت می‌گردد که جنبش آزادی‌بخش ملی خلق کشور را بمرحله نوین و مترقی، بسوی ارتفاعات تازه، ذر زیر پرچم گلگون پیکار عادلانه آزادی‌بخش ملی، با وحدت و اتحاد، بسوی پیروزیهایی، بسوی هدف غایی و بسوی خوشبختی به پیش ببرید.

وحدت و اتحاد

خونبهای شهدای راه استقلال و آزادی

جنبش آزادی‌بخش ملی وطن محبوب ما افغانستان طی نیم‌قرن در چندین مرحله بنا بر توطئه‌های استعماری و ارتجاعی و ایجاد نفاق و تفرقه و جنایت‌ها از یکسو و اشتباهات و خودخواهی‌های فئودالی نیروهای سیاسی و رهبری آن‌ها از سوی دیگر پیوسته با شکست‌های موقتی ولی سهمگین روبرو شده و تا کنون به پیروزی نهایی نرسیده است.

ارتجاع داخلی و خارجی پیوسته در برابر جنبش آزادی‌بخش ملی کشور ما بی‌رحم و توطئه گر بوده است. باید از تجارب گران‌بهای گذشته درس گرفت.

باید خاطرنشان ساخت که همیشه یکی از وسایل ارتجاع و استعمار برای تضعیف و واردکردن شکست در جنبش رهایی‌بخش عبارت از ایجاد نفاق و تفرقه و زد و خوردهای بچه‌گانه در بین نیروهای ملی، وطن‌پرست، دموکراتیک و ترقی‌خواهان بوده است، تا به این وسیله در جنبش رخنه کرده و بهانه‌یی برای تعرض بدست آورد.

وظیفه تاریخی و تخلف‌ناپذیر تمام نیروهای مبارز و وطن‌پرست و ترقی‌خواه کشور است که نهضت دموکراتیک ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم را به پیروزی برسانند و مبارزه علیه استبداد، ارتجاع، ستم ملی و استعمار را، بصورت پیگیر و شجاعانه تعقیب کنند و اتحاد تمام نیروهای وطن‌پرست جامعه را که در جنبش ملی و دموکراتیک در جهت نیل به هدف مشترک مبارزه می‌کنند، تأمین نمایند و تفرقه افگنان را افشأ و اقدامات تخریبی آن‌ها را خنثی سازند.

زیرا اتحاد نیروها (ولو مؤقتی و در عمل باشد) در هر مرحله مبارزه شرط اساسی احراز کامیابی، در مبارزه علیه ارتجاع داخلی و خارجی است.

ما از تمام نیروهای مبارز، فرزندان صدیق خلق افغانستان – در هر کجا که هستند – دعوت می‌کنیم که با سلامت فکر و احساس مسؤولیت تاریخی، دست ما را که صادقانه برای اتحاد بلند کرده‌ایم، به پاس خون‌های گرم شهدای راه استقلال، بخاطر رنج‌های عظیم خلق‌های ستمدیده کشور، بخاطر صلح، آزادی ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و بخاطر تجدید ساختمان وطن محبوب ما افغانستان، بفشارید. بغض و کین، خرده‌جویی، بی‌اعتمادی و شکاکیت، خصومت‌های شخصی، حسادت و شهرت‌طلبی و عوامفریبی، خودخواهی و نفرت‌های بی‌مورد، فحش، دروغ و اتهامات بی‌پایه را، که پیوسته خواست ارتجاع داخلی و خارجی بوده است و موجب شکست نهضت رهایی‌بخش ملی می‌گردد، یکبارگی و بصورت انقلابی از خود بدور بیفگنند و دست اتحاد دهند. درین صورت مسلماً پیروزی از آن خلق‌ها، از آن نیروهای ملی، دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواهان کشور ماست.

پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق، به حکم ضرورت از تمام دوستان و هموطنان مبارز طلب می‌کند، درین مرحله حساس تاریخی که ارتجاع سیاه در توطیه است اصل اتحاد تمام نیروهای تحول‌طلب مبارز را در یک صف و جبهه (برای تدارک زمینه مستحکم دایمی ایجاد جبهه دموکراتیک و ملی) بپذیرند و شعارهای مشخص و صریحی را که وجوه مشترک تمام نیروهای ضد ارتجاع داخلی و خارجی را درین مرحله معیین مبارزه تشکیل می‌دهد، صمیمانه مطمح نظر قرار دهند و بر اساس آن در برابر یکدیگر، در عمل برخورد اصولی نمایند و از تلقیات ذهنی خلاف اصول و از اعلان نابهنگام آشتی‌ناپذیری در درون نیروهای مبارز ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار و در میان خلق احراز کنند.

وظیفه اصولی و تاریخی نیروهای دموکراتیک خلق است که برای ایجاد اتحاد با نیروهای مربوطه در فعالیت‌های

(در ص ۲)

متن بیانیهٔ وکیل ببرک کارمل

در جلسهٔ استیضاح ۳۱ ثور ولسی جرگه از حکومت

موضوع دوم مورد استیضاح از حکومت، نفوذ روزافزون انحصارات سرمایه‌داری خارجی در حیات اقتصادی و تجارتی کشور است: انحصارات خارجی که هر یک به مثابهٔ دولتی در درون دولت‌های ملی می‌باشد، می‌رود که نبض اقتصادی و تجارت خارجی کشور ما را کاملاً در دست گیرد.

گرچه که تجارت و بازارهای ما برای غول‌های مالی بمقیاس جهانی نقش دهکدهٔ کوچکی را بازی می‌نماید، اما میگویند که خانه مورچه را شبنم طوفان است تا چه رسد به پای فیل، انحصارات امپریالیستی، از طریق نمایندگی‌های تجارتی و تجار خارجی به همکاری تجار بزرگ دلال داخلی در اقتصاد ناتوان کشور ما بطور روزافزونی، با دست باز و مصونیت کامل مشغول تاراج گری استند و تا کنون هیچ مقام مسؤول حکومتی نه تنها نخواسته است که عملاً گامی، حتی در جهت محدود ساختن فعالیت‌های آن‌ها بردارد، بلکه خود وسیلهٔ رسوخ بیشتر آن‌ها در اقتصاد کشور شده‌اند، و تسهیلات و زمینه های بیشتر غارتگری آن‌ها را در بدل کمیشن‌ها و رشوه‌های بزرگ فراهم آورده‌اند.

بناغلی اعتمادی صدراعظم!

واضحاً اعلام می‌داریم که نفوذ این نمایندگی‌های تاراج گر نه تنها در مسایل مربوط به اقتصاد و تجارت بلکه مداخلهٔ آن‌ها در امور سیاسی و داخلی کشور به سویه‌های مأموران عالی‌رتبه نیز موجود است و اینکه از آن چشم‌پوشی می‌شود مورد استیضاح جدی واقع می‌گردد که با تمام وضاحت موضوع، چرا کوچکترین اقدامی در زمینه صورت نمی‌گیرد؟ کیست که نداند متصدیان و نمایندگان کمپنی اندیمار، زیمنس، ایتالاف، هوختیف، استکو و غیره به چه فعالیت‌هایی در افغانستان مشغول استند، چطور حتی در تقرر و تبدیل و حمایهٔ بعضی از مأموران بزرگ، مستقیم و غیرمستقیم دست دارند و چگونه آشکارا و بی هراس ضد منافع و مصالح مردم ما عمل می‌نمایند و بالعموم در هر توطئه و دسیسهٔ ضد ملی با سازمان‌های جاسوسی خارجی و با ارتجاع سیاه داخلی همکاری دارند.

(در ص ۲)

متن بیانیه داکتر اناهیتا

در جلسه استیضاح سه شنبه ۳۱ ثور ولسی جرگه از حکومت

موضوع مورد استیضاح ما عبارت است از مسأله حاد و مبرم روز که چرا محصلان و شاگردان افغانستان هرچند روزی یکبار تظاهر می‌کنند؟ علت وضع فلاکتبار معارف از لحاظ کمی و کیفی در کشور چیست؟ و جلو موج نهضت معارف خواهی در کشور چرا گرفته نمی‌شود؟

پنجاه سال از استقلال سیاسی کشور ما می‌گذرد، در طی این نیم‌قرن بنا بر وجود سه دشمن عمدهٔ خلق افغانستان یعنی ارتجاع، استبداد و استثمار آهنگ توسعه معارف، مثل آهنگ رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، در نتیجه تسلط خصلت مناسبات فرتوت اجتماعی و نفوذ فرهنگ فئودالی و استعماری، همچو رفتار سنگ‌پشت کند و بطی بوده و هست.

نیروهای استعماری به اتحاد نیروهای سیاه ارتجاع داخلی، طی ده‌ها سال بعد از تحصیل استقلال سیاسی تلاش کرده‌اند تا علیه نهضت معارف خواهی کشور، دست به توطئه زنند، حتی دهها قیام مردم را که ماهیتاً ناشی از نا رضایتی آن‌ها بوده، علیه ترقی و پیشرفت کشور بخصوص علیه بسط و توسعه معارف و فرهنگ به انحراف کشانیده‌اند و در نتیجه نیروهای مستبد حاکمه داخلی این ذهنیت استعماری را اعلان کرده‌اند، که گویا خلق نجیب و شریف کشور ما مخالف انکشاف فرهنگ و معارف ملی، دموکراتیک و مترقی اند.

اکنون که بصورت مشهود نهضت معارف خواهی و سیاست معارف متوازن سرتاسر خلق‌های کشور را فراگرفته، باز محافل ارتجاعی کشور در توطئه‌اند که اختناق جدیدی را در برابر این تمایلات خروشان فرهنگی مردم ایجاد کنند و مانع رشد و تکامل معارف در کشور گردند.

این پالیسی جدید اختناق معارف از طرف هیأت حاکمه افغانستان به شیوه‌های ظریفتر و زرنگتری صورت می‌گیرد، تا جلو نهضت معارف خواهی محصلان و شاگردان کشور را گرفته باشند.

از آنجایی که نهضت محصلان و شاگردان بیک مسأله بزرگ اجتماعی در وطن ما تبدیل شده، این سؤال اکنون در هر جا مطرح است که: چرا محصلان پوهنتون و شاگردان مکاتب ثانوی و مسلکی حتی ابتدایی، پیوسته تظاهر می‌کنند و اجتماع تشکیل می‌دهند؟ درد واقعی آن‌ها چیست؟ محافل حاکمه سیاسی کشور، از آنجمله حکومت که نهضت محصلان و شاگردان را نتیجه »تحریک و توطئه به اصطلاح بیگانه، رواج فساد و بیدینی و احساسات محلی ... «و غیره وانمود می‌سازند باید متوجه باشند که این سلاح استعماری دیگر زنگ زده

(بقیه در ص ۳)

هر میهن دوست پرچم - افغانستان در قلب هر مبارز و به زمین نگذاشته اند

تلخیص و ترجمه: میر اکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی

خصوصیت عمده زمان ما عبارت است از رشد وسیع جنبش آزادی‌بخش ملی که طومار استعمار را درهم می‌پیچد. در این مبارزه که ده‌ها ملت را احتوا می‌کند سرنوشت تقریباً نیمه بشریت تعیین می‌گردد، خلق‌های آسیا، افریقا و آمریکای لاتین از راه تحکیم روابط خود با کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، به همه اشکال ستم ملی خاتمه می‌دهند و راه ترقی اجتماعی را در پیش می‌گیرد.

بطور کلی، جنبش آزادی‌بخش ملی به مرحله جدید از رشد خود وارد گردیده است. این جنبش که در سابق کشورها و مناطق بیشتر و بیشتری را دربر می‌گرفت و زیادتر بسوی مسایل خارجی متوجه بود ولی در شرایط کنونی بیشتر متوجه مسایل داخلی این کشورهاست و در درجه اول هدف آن محو کامل استعمار و از بین بردن ریشه‌های اقتصادی نفوذ امپریالیزم و حل پرابلم‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

همچنان باید در نظر داشت که حتی بعضی از این مستعمرات سابق از مرحله جنبش آزادی‌بخش ملی به جنبش سوسیالیستی می‌گذرد.

- ۱ -

پیروزی‌های عظیم جنبش آزادی‌بخش ملی، جهان استعماری سابق را از ریشه تغییر داده است. نود و پنج فیصد نفوس مستعمرات سابق زنجیرهای ستم استعمار را پاره نموده‌اند و از امپراطوری‌های پهناور گذشته جز چند پارچه کوچک چیزی باقی نمانده است.

اکنون متصرفات استعماری براتانیه کمتر از ۱۵ ملیون، هالند نیم ملیون، اضلاع متحده امریکا ۲/۸ ملیون، پرتگال تقریباً ۱۲ ملیون فرانسه ۱/۵ ملیون جمعیت دارند.

بلجیم، ایتالیا و جاپان تمام مستعمرات خود را از دست داده‌اند، درحالی‌که در سال ۱۹۱۹ از جمله تمام نفوس روی زمین ۶۹/۹ فیصد در زیر یوغ استعمار بسر می‌برد، امروز صرف کمتر از یک فیصد نفوس جهان در اسارت مستقیم استعمار باقیمانده است.

فشار خلق‌ها بر رژیم‌های استعماری روزتاروز قوت بیشتر کسب می‌کند. نیروهای وطن‌پرست در برابر تشدد و تجاوز استعمارگران به قیام‌های مسلح می‌پردازند. به هر اندازه‌یی که سالازارها، امپریالیست‌های بریتانیه، نژادپرستان افریقای جنوبی و رودیشیا بمقاومت مذبوحانه‌شان ادامه دهند و تلاش نمایند تا جلو موج روزافزون جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را بگیرند به همان پیمانه عمر رژیم‌های استعماری را کوتاه تر می‌سازند که حتی می‌توان روزهای آن را شمرد. مبارزات مستعمرات باقیمانده پشتیبانی کامل کشورهای نوبنیاد آسیایی و افریقایی و نیروهای سوسیالیزم جهانی را با خوددارند.

مسأله آزادی ملی تنها در برابر خلق‌های تحت تسلط استعمار قرار ندارد. گرچه اکثریت قاطع مستعمرات سابق حاکمیت ملی خود را حاصل کرده‌اند، ولی، به هیچ صورت همه آن‌ها در عین موقف نبوده و مواضع شان یکسان نیست. در بعضی از آن‌ها که امپریالیزم توانسته است رژیم‌های دست‌نشانده خود را بر سر اقتدار بیاورد عملاً از طرف امپریالیزم کنترول می‌شود. وظیفه جنبش آزادی‌بخش ملی در این کشورها اینست که باز هم مانند سابق رژیم‌های هواخواه امپریالیزم را از بین بردارند و استقلال صوری سیاسی را بیک استقلال واقعی عیوض کنند. معهذا، اکثریت ملت‌های تحت ستم استعماری آزادی سیاسی‌شان را حاصل کرده‌اند. با وجود ناتوانی اقتصادی و نظامی و با وجود فشارهای پیهم امپریالیست‌ها که هنوز مواضع مستحکم اقتصادی و نفوذ فراوانی در این کشورها دارند، کشورهای مذکور می‌توانند بنا بر تناسب فعلی قوا در جهان معاصر، از استقلال واقعی سیاسی برخوردار باشند.

گرچه کشورهای نوبنیاد هنوز مربوط به اقتصاد جهانی سرمایه‌داری می‌باشند ولی اکثریت آن‌ها بخشی از سیستم سیاسی امپریالیزم را تشکیل نمی‌دهند. ملت‌های مستعمره سابق بطور مستقیم در ساختن تاریخ جهان سهم می‌گیرند و بیک نیروی جدی در امور جهانی مبدل گردیده‌اند.

ملت‌های جدید آزاد شده به نقطه چرخش تاریخی رسیده‌اند و افق نوینی از مبارزات ضد امپریالیستی و به نفع ترقی اجتماعی در برابر آن‌ها باز گردیده است.

این حقایق مسلم در اسناد مترقی منعکس گردیده است که:

- »شکست سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات جنبش آزادی‌بخش ملی انکشافیست که از نظر اهمیت خود بعداز ایجاد سیستم جهانی سوسیالیزم در درجه دوم قرار می‌گیرد.«

البته، این حقیقت که امپریالیست‌ها هنوز بعضی از مواضع‌شان را در مستعمرات سابق حفظ کرده‌اند، به هیچ صورت از اهمیت پیروزی بزرگ تاریخی نیروهای انقلابی جهان – خورد کردن سیستم استعمار – نمی‌کاهد. در سابق، در دوران تسلط امپریالیزم، استقلال سیاسی کشورهای اقتصاداً ضعیف و کم رشد آسیا، افریقا و امریکای لاتین می‌توانست کاملاً شکلی و ظاهری باشد، زیرا در آنوقت سرمایه مالی در تمام روابط اقتصادی، و در تمام مناسبات بین‌المللی عاملی بود مسلط. ولی، این وضع با گذار از سرمایه‌داری مرحله مترقی از ریشه تغییر کرده است. بنا بر وجود سیستم مترقی جهانی، جنبش بین‌المللی کارگری، در فضای همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌های دارای سیستم‌های اجتماعی مختلف و بنا بر اوجگیری نیرومند مبارزات آزادی‌بخش ملی، کشورهای نوبنیاد می‌توانند به شرط اتخاذ سیاست عدم الحاق به پیمان‌های تجاوزکارانه امپریالیستی و تعقیب راه مترقی اجتماعی واقعاً مستقل باشند.

نمونه‌های الجزایر، جمهوریت متحد عربی، سوریه، مالی، برما، گینی و غیره مولید این حقیقت است. وابستگی استعماری و نیمه استعماری این کشورها به امپریالیزم اصلاً مورد بحث نیست. حتی در کشورهای که هنوز امپریالیزم تا حدی کنترول دارد آن‌قدر تغییرات مهم صورت گرفته و می‌گیرد که دیگر نمی‌توان آن‌ها را تحت تسلط کامل استعمار دانست، چه هستند کشورهایی که با وجد این وضع از سیاست مستقلی پیروی می‌نمایند.

البته، انحلال رژیم‌های استعماری معنی آن را ندارد که استعمار از بین رفته و مبارزه علیه آن پایان یافته است. ولی، گرچه استعمار نو برای دولت‌های نوبنیاد خطرناک می‌باشد، و امپریالیست‌های اضلاع متحده امریکا، بریتانیه، جمهوریت اتحادی المان، فرانسه و دیگر نیروها تلاش می‌نمایند که استعمار را نجات دهند، باز هم نمی‌توانند کشورهای روبه انکشاف را از ثمرات پیروزی‌های بزرگ شان محروم سازند. انحلال سیستم استعماری جریانی است غیرقابل بازگشت و انکار از این حقیقت، خط کشیدن بر پیروزی‌های تاریخی جنبش آزادی‌بخش ملی، کم بها دادن به اهمیت زوال استعمار، ناچیز شمردن نقش استقلال سیاسی و عدم اعتقاد به نیروی ملت‌ها نو به آزادی رسیده است، که می‌تواند با پشتیبانی کشورهای مترقی ضربات خورد کننده‌یی به دسایس امپریالیزم و استعمار نوین وارد نماید.

انحلال سیستم استعماری از نظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظیمی دارد. وقتی که نیروهای ترقی‌خواه از زوال بردگی استعماری حرف می‌زنند، نه تنها این واقعه تاریخی را در جریان انقلابی جهانی ثبت می‌نمایند و نه تنها به عمل قهرمانانهٔ خلق‌های مستعمره و نیمه مستعمره سابق احترام می‌گذارند، بلکه تاکید می‌نمایند که این واقعه، درحالی‌که

از (ص اول)

متن بیانیه ببرک کارمل ...

کمپنی‌های انحصارات خارجی در افغانستان تا جاییکه ظاهر است به هرگونه معاملات تجارتی و اقتصادی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، بالوسیلهٔ کمیشن کاران، دلالان و کمپرادوران داخلی، به دستیاری و حمایه بیروکرات‌های فاسد و رشوه ستان دست می‌زنند و آزادانه ثروت‌های ملی ما را غارت می‌کنند. قاچاق بری و عامل قاچاق شدن حرفهٔ رسمی اکثر آن‌هاست. نمونه و مثال این‌چنین فعالیت‌ها کمپنی اندیمار (آمریکایی) است که چند سال قبل با سرمایه‌گذاری هزارها دالر بحیث یک مؤسسه به اصطلاح صنعتی تأسیس گردید و رسماً جواز نامه صنعتی را حاصل کرد که بعداً علاوه بر آن دو جواز نامه دیگر، یعنی جواز نامه تجارتی و جواز نامه شرکتی را نیز بدست آورد که بر اساس این‌ها در ظاهر معاملات گوناگونی را انجام می‌دهد و البته در خفا چه کارهایی را که عامل آن نیست!

ملاحظهٔ مرام کمپنی اندیمار که از طرف حکومت‌های افغانستان بر آن صحه گذاشته شده، قابل توجه است. هرکس علاقه یی به امور مملکتی داشته باشد باید یکبار آن را منحیث یک نمونه مطالعه کند که چطور یک کمپنی خارجی آن هم در داخل کشوری که از بی‌طرفی آن زیاد حرف زده می‌شود، بخود حق داده، هرگونه معاملاتی را که تصور شده می‌تواند در تمام رشته‌ها، اعم از صنعتی، تجارتی، ساختمانی، زراعتی ... و غیره چه در داخل کشور و چه از طریق افغانستان در هر نقطهٔ جهان که خواسته باشد انجام دهد. چنانچه در فقرهٔ ۱۴ مادهٔ دوم مرام کمپنی قید گردیده:

»اشغال، تعمیل و اجرای معاملات و بکار بردن اختیارات خود در هر نقطه جهان که باشد.«

در فقرهٔ سه ماده دوم اساسنامه این کمپنی قید است که: »حصول بوسیله خریداری، تبادله، کرایه، یا طور دیگر تصرف مالکیت .«توجه بفرمایید درحالی‌که اتباع خارجی قانوناً حق ندارند که در داخل مملکت به خرید و فروش املاک بپردازند، اما این یکی چنین حقی را برای خود محفوظ نگه داشته.

این‌ها نمونه از صدها فعالیت ضد مصالح ملی ما توسط این حیوان شتر گاو و پلنگ و امثال آن است که هم گویا یک مؤسسه صنعتی است، هم تجارتی و هم بحیث تاجر انفرادی خارجی فعالیت کرده می‌تواند، بارها سرودم دیگر آن که در معاملات بانکی بیمه، وثایق، زراعتی، معدنی، صنعتی، بارچالانی، ترانسپورتی، ساختمانی و غیره و غیره بموجب اساسنامهٔ آن ظاهر می‌شود.

درین جاست که از بناغلی صدراعظم خواسته می‌شود توضیح دهند که چرا اجازه داده می‌شود، با تمام مشهود بودن خیانت‌های این‌چنین کمپنی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و زیان آشکار آن‌ها به اقتصادیات کشور باز هم بی‌دغدغه و با خاطری آرام به چپاولگری خود ادامه دهند؟ آیا بناغلی اعتمادی به خاطر ندارند که کمپنی هوختیف از طرف کمیتهٔ توحید و انسجام وزارت پلان بسویهٔ معین‌ها، حتی بسویهٔ قانون اساسی محکوم گردیده از طرف حکومت حمایه شد؟

البته جواب نزد ما روشن است، که تا هنگامی‌که پیوندهای عمیق و آمیزش منافع طبقهٔ حاکمهٔ ارتجاعی جامعه ما، با امپریالیسم کماکان باقی است، این نتیجه طبیعی آنست. اما لازم است فهمیده شود که موقف و جواب حکومت درین مورد که باید در برابر آن احساس مسؤولیت نماید، چه خواهد بود.

آیا بناغلی اعتمادی صدراعظم متوجه استند که هم اکنون علاوه بر صدها تاجر بزرگ دلال و کمپرادور داخلی وظیفهٔ ضد منافع و مصالح ملی خود را به نفع نیروهای امپریالیستی انجام می‌دهند، به چه تعداد نمایندگی‌های کمپنی‌های کاشو و ماروبینی جاپانی، استکوی سویس، ابتالاف ایتالوی، نیدرلند فاندیشن هالندی، هوخست، هاینمن، زیمنس، هوختیف مانسمن و غیره آلمان غربی و ده‌ها نمایندگی دیگر این کشورها و کشورهای دیگر غربی انگلستان، آمریکا، فرانسه و ممالک وابسته به آن‌ها مانند پاکستان، ایران و غیره در وطن ما مشغول فعالیت تاراج گرانه استند، و ملیارد ها افغانی را معامله می‌نمایند؟

آیا توجه کرده‌اند که علاوه بر این‌ها چه تعداد تاجر انفرادی دیگر کشورهای مختلف فعالیت رسمی و علنی تجارتی دارند؟

به تنهایی بیش از یکصد نفر تاجر هندی که جواز نامهٔ تجارتی وزارت تجارت بدست دارند و بیش از صد تاجر پاکستانی، ایرانی و آلمانی و یهودی و غیره مشغول توریدِ اموال بی لزوم کشورهای مربوط و ممالک غربی و اعمال دیگر ضد مصالح مردم ما استند و بخصوص تجارت خارجی کشور ما کاملاً در پنجه‌های بی‌رحم آن‌ها قرار دارد.

سؤال جدی ما از حکومت بناغلی اعتمادی اینست که اصلاً چه لزومی به موجودیت و ادامهٔ کار این همه نمایندگی‌ها و کمپنی‌های تجارتی انحصارات غربی و تجار خارجی در کشور که نتیجهٔ فعالیت‌های سوء آن‌ها در زندگی اقتصادی و سیاسی وطن ما هویدا است، احساس می‌گردد؟

امیدواریم که در برابر این استیضاح ما پاسخی روشن مبتنی بر حقایق و واقعیت‌ها ارائه گردد.

((از ص اول)

وحدت و اتحاد ...

سیاسی و اجتماعی، پیوسته وجوه و نکات مشترک را دریافت نمایند و بخاطر تجمع و سوق نیروها به جهت تأمین هدف‌های روزمره، نزدیک و دور، بمنظور تقویت مبارزه و نهضت و وادار کردن ارتجاع به عقب‌نشینی‌های پیهم و اشغال مواضع جدید از آنچه باعث جدایی و نفاق می‌گردد، اجتناب نمایند.

برای تحقق امر وحدت و اتحاد و پیروزی در مبارزه، باید جداً متوجه بود که در هنگام دادن شعارها و طرح هدف‌ها و اشکال مبارزه، شرایط عینی و ذهنی جامعه و از آن جمله، بخصوص تناسب قوای دوست و مخالف و آمادگی خلق‌ها را در امر مبارزه صحیحاً تشخیص و درک کرد و طبق شرایط باید شعارهای هر مرحله‌ای از مبارزه روزمره را، در زمان و مکان و موضوع آن استعمال کرد. نباید شعارهای یک مرحله و شکل مبارزه را با مرحله و شکل دیگر مبارزه عوض نمود و شعارهای هدف غایی را در محل و بعنوان شعارهای هدف‌های استراتیژیک (یک مرحله تاریخی) و شعارهای هدف‌های استراتیژیک را در محل و بعنوان شعارها و هدف‌های تکتیکی روزمره بکار برد. زیرا چنین برخوردهای غیراصولی و جذبات غلط، بدون درک شرایط و بدون داشتن تدارک ذهنی، مبارزین و جریانات مترقی را از واقعیت‌های سرسخت و نهضت و خلق‌ها تجرید و بدور می‌کند. درک و حفظ تناسب صحیح و منطقی بین این مراحل مبارزه، مشکل ولی بسیار مهم است. مبارزه در راه شعارها و هدف‌های مبرم روزمره (دفاع از حقوق

دوران کامل را در تاریخ کشورهای نو استقلال به اوج می‌رساند مرحله جدیدی از مبارزات ضد امپریالیستی ملی و ترقی اجتماعی را می‌گشاید.

در سابق حصول استقلال سیاسی نشان‌دهنده به اوج رسیدن جنبش ملی بود که مقصد عنعنوی آن را از بین بردن تسلط اجنبی، ایجاد دولت ملی تحقق بخشیدن به حق داشتن موقف مستقل تشکیل می‌داد. در آنوقت جنبش ملی متوجه از بین بردن موانع قرون‌وسطایی و غیره بود که در سر راه رشد سرمایه‌داری قرار داشت. ولی، جنبش آزادی‌بخش ملی معاصر را به عین مقیاس ارزیابی کردن اشتباه بزرگ بشمار می رود. جهان‌بینی علمی اخطار می‌دهد عناصر مترقی پدیده‌ها را از نظر »مفاهیم کلی «جامد، مبنی بر تجارب گذشته پیوند دادن میکانیکی آن‌ها با نسج زنده پروسه تاریخی بررسی کنند. جنبش رهایی‌بخش معاصر مولود زمان ماست که گذار از سرمایه‌داری به مرحله عالی‌تر تکامل اجتماعی را مشخص می‌سازد و علامت آن را بر جبین خود دارد. این جنبش‌ها که لبه تیز آن متوجه امپریالیزم است (گرچه ضد روابط فیودالی و ماقبل فیودالی که امپریالیزم به نوبه خود از آن پشتیبانی می‌نماید، و جز انفکاک ناپذیر جریان انقلابی جهان را تشکیل می‌دهد. باین‌صورت جنبش‌های آزادی‌بخش ملی زمان ما جنبش‌های دموکراتیک ضد امپریالیستی طراز نوین می‌باشد.

هدف این جنبش‌ها در درجه اول تنها استقلال سیاسی نه، بلکه آزادی اقتصادی مستعمرات و کشورهای وابسته سابق نیز می‌باشد. بنا بر

(در ص ۳)

و آزادی‌های وسیع دموکراتیک مردم اعم از سیاسی، اقتصادی، صنفی، اجتماعی و فرهنگی ... و غیره) است که می‌تواند از یک سو حلقه اتصال اولی اتحاد تمام نیروهای تحول طلب گردد و از سوی دیگر طریق رسیدن به هدف‌های ستراتیژیک را آماده سازد. ولی باید خاطرنشان ساخت، این طرح به این معنی نیست که برای یک لحظه هم نگاه ما از هدف ستراتیژیک و هدف غایی منحرف گردد و یا از تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و مترقی خواسته شود که از اختلافات ایدیولوژیکی و استقلال خویش دست بکشند و یا در چوکات اصول و سطح عالی اخلاق مترقی وطن‌پرستانه انتقادات خویش را (مشروط بر این که باعث تفرقه افگنی نگردیده و از سلاح ارزان دروغ و اتهام کار گرفته نشود) قدم به قدم و مرحله به مرحله در برابر یکدیگر، در داخل صف و جبهه متحد (مؤقتی و یا دایمی) وارد نسازند.

باید متذکر شد که دادن شعار وحدت و اتحاد مظهر قدرت و دلیری و درک مسؤولیت ملی و مترقی یک جریان در برابر خلق و وطن است و فرار از اتحاد و وحدت ناشی از جبن، ضعف و بی‌مسؤولیتی در برابر خلق و وطن و راه دادن افکار مسموم کننده ارتجاع داخلی و خارجی در میان مبارزان می‌باشد. تجربه ثابت کرده است که محافل ارتجاعی برای منفجر ساختن سنگر اتحاد جبهه ملی (مؤقتی و یا دایمی) تلاش‌های فراوانی بخرج می‌دهد و از بین‌رفتن اتحاد بین مبارزان ضد امپریالیستی و ضد فیودالی موجب تضعیف جنبش رهایی‌بخش ملی می‌گردد و با مصالح خلق متضاد است و در نتیجه خطر از دست رفتن نتایج پیروزی‌های حاصله را ولو کوچک هم باشد در بر دارد و موجب از بین رفتن نیروهای ملی، دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه بصورت قسمی و یا کلی می‌گردد.

در خاتمه پرچم دموکراتیک خلق بار دیگر بمناسبت پنجاهمین سال یادبود قیام مسلحانه ملی خلق‌های کشور ما افغانستان، علیه استعمارگران انگلیسی، اعلام می‌دارد: درحالی‌که در سنگر اصول خلاق جهان‌بینی علمی و مرام خویش چون سخره استوار قرار دارد، دست اتحاد به تمام نیروهای ضد استبداد، ضد ارتجاع، ضد ستم ملی و ضد استعمار و امپریالیزم، بخاطر تأمین دموکراسی و استقلال ملی و ترقی و پیشرفت اجتماعی وطن ما دراز می‌کند و همچنان به تمام این نیروها اعلام می‌نماید که ملاک عمل و قضاوت ما مصالح خلق و وطن ما افغانستان است و درین راه با متانت و خونسردی و درک مسؤولیت علیه انحرافات گوناگون اعم از راست و چپ در چوکات اصول برای ایجاد وحدت و اتحاد دلیرانه مبارزه می‌نماید.

پیروز باد اصولیت نیروهای صدیق و وطن‌پرست ترقی‌خواه کشور و تلاش دلیرانهٔ آن‌ها در راه وحدت و اتحاد!

پیروز باد اتحاد جمیع نیروهای تحول‌طلب کشور در یک جبهه و صف متحد دموکراتیک و ملی!

پیروز باد نهضت دموکراتیک و ملی ضد فیودالیزم و امپریالیزم!

از (ص اول)

متن بیانیهٔ داکتر اناهیتا ...

و کهنه شده است و باید علت و درد واقعی محصلان و شاگردان را در جای دیگری جستجو کرد. هرگاه کسی واقع‌بین باشد و عشقی بوطن و مردم افغانستان داشته باشد، بزودی در می‌یابد که علل و دردهای واقعی شاگردان و محصلانی که به تظاهرات می‌پردازند قرار ذیل است:

- مسایل صنفی وضع فلاکتبار کمی و کیفی معارف که در قسمت دوم استیضاح مفصلاً مطرح بحث قرار می‌گیرد.

- تبعیض در عمل و پالیسی نادرست معارف: باین معنی که فرزندان طبقات زحمتکش شهر و ده و ولایات کشور بنا بر تسلط ستم طبقاتی و ملی مجال تحصیلات ندارند و عدهٔ قلیلی هم که در مکاتب، آن هم بیشتر طبقات متوسط شهرها، راه یافته‌اند، جلوشان را سیستم‌های غلط تدریس و سختگیری عمدی در امتحانات نهایی و کانکور نادرست و ده‌ها مسایل دیگر مسدود می‌کند.

باید خاطرنشان ساخت که در یک اجتماع سالم، سنجش استعدادها، رهنمایی شاگردان برشته مورد دلچسپی شان و ارتقاء آنان به مکاتب مسلکی و تحصیلات عالی پوهنتون از طریق کانکور یک امر واضح و طبیعی است. در چنین یک اجتماع سالم همه اقدامات طبق منافع و مصالح خلق انجام می‌گردد.

اما در یک جامعه بیمار و ناسالم کدام شخص می‌تواند قبول کند که برای فرزندان بااستعداد طبقات محروم و تحت ستم جامعه مجال تحصیلات عالی‌تر داده می‌شود و به فرزندان بی‌استعداد طبقات حاکمه داده نمی‌شود. آیا مثالی آورده شده می‌تواند که فرزند یکی از طبقات صاحب امتیاز در یکی از مکاتب مسلکی و حرفه‌ای مثل مکتب میخانیکی دارالمعلمین‌ها، مکتب صنایع و تخنیک داخل شده باشد و امروز در یکی از فابریکه‌ها کار کند و یا شغل معلمی را پیشه سازد. آیا تمام فرزندان طبقات حاکمه انسان‌های بااستعداد اند و فرزندان طبقات ستمدیده شهرها و دهات و ولایات استعداد تحصیلات عالی را ندارند؟ آیا این سیاست عملاً به طرفداری حفظ اصالت طبقاتی در معارف کشور نیست که پسران باید شغل پدران را در پیش گیرند و لزومی ندارد که فرزند خلاق کارگر و دهقان و پیشه‌ور حرفه پدر را رها کند و به اصطلاح کرسی نشین شود، انجنیر و دکتور شود؟ این‌ها همه حقایق مشهود در جامعه است و همین عقده‌هاست که باعث تظاهرات شاگردان و محصلان می‌گردد. پسران و دختران خلق‌های کشور تعلیم و تحصیلات عالی و ملی و مترقی می‌خواهند. این نهضت عالیه معارف خواهی دورنمای پر افتخار جامعه نوین افغانستان را مژده می‌دهد.

- عوامل اجتماعی: به سادگی معلوم است که درد شاگردان و محصلان کشور، تسلط استبداد، ارتجاع و نفوذ اشکال جدید استعمار در ساحه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است. مکاتب و پوهنتون کشور امکان پرورش همه‌جانبه استعداد شاگردان و محصلان را ندارد. تازه پس از فراغت، هزاران نفر از صنوف ابتدایی، متوسطه و ثانوی مسلکی و پوهنتون با بحران بیکاری روبرو است.

محصلان برای دفاع از حقوق صنفی خود حق تشکیل اتحادیه را ندارند هرگاه محصلی علیه تجاوز به حقوق خویش اعتراض کند، تهدید به ناکامی و حتی طرد از مکتب و پوهنتون می‌گردد.

مهمتر اینکه شاگردان و محصلان هرروز مشاهده می‌کنند که وطن‌شان عقب‌مانده‌ترین کشور در جهان است و در وطن پرمایه و غنی و پر افتخارشان ملیون‌ها انسان و هموطنشان در چنگال بیرحم فقر، بیماری و بی‌سوادی و خانه بدوشی و بی‌مسکنی دست و پا می‌زنند، درحالی‌که اقلیت بسیار کوچک و ناچیز به طفیل همین توده‌های عظیم خلق رنج‌دیده و ستم‌کشیده زندگی افسانه‌ای برای خود ایجاد کرده‌اند.

این‌هاست عقده‌ها و محرکات تظاهرات شاگردان و محصلان وطن ما که آن‌ها را رنج می‌دهد، و این استبداد، ارتجاع و نفوذ عوامل استعمار است که علت بوجود آوردن آن‌هاست. شاگردان و محصلان وطن ما مانند دیگر طبقات و قشرهای وطن‌پرست، نیروهای نهضت دموکراتیک و ملی‌اند که همیشه آماده دفاع از حقوق صنفی، تحصیلات عالی‌تر، نهضت معارف خواهی و ترقی و پیشرفت کشورند این نیروهای وطن‌پرست نیازمند به تحرک دیگری نیستند. آرزوی آتشینی که در عقول و قلوب خلق‌های وطن ما جان می‌گیرد، هر لحظه از روزنه‌ای تبارز می‌کند تا سرانجام یکباره با تمام نیروی ملی خویش در یک مسیر جنبش رهایی‌بخش متحد و یکجا شود و همه نیروهای استبداد، ارتجاع و استعمار و ضد ترقی و آزادی ملی را از میان بردارد. جامعه نوین و مترقی را بنا سازند. اکنون ببنیم که حکومت بناغلی اعتمادی در برابر این نهضت معارف خواهی و تظاهرات شاگردان و محصلان و خواست مبرم آن‌ها چه موقف و سیاستی را اتخاذ کرده‌اند؟ توضیح داده شود!

وضع معارف کشور از لحاظ کمی و کیفی:

سال ۱۳۴۷، نفوس کشور ۱۴٬۱۳۰٬۰۰۰ (بدون کوچی‌ها که معارف در بین آن‌ها اصلاً وجود ندارد)،

مکاتب ابتدایی: (۲۳۰۹۰۰۰) کودک مکتب رو (از ۷ تا ۱۲ سال) تخمین زده می‌شود که ازین تعداد صرف (۴۵۵۰۰۰) نفر یعنی ۱۴/۵ فیصد آن رسماً شامل مکاتب دهاتی و ابتدایی می‌باشند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که علی‌رغم ماده (۳۴) قانون اساسی هنوز (۸۵/۵) فیصد کودکان مکتب رو کشور از تحصیلات ابتدایی محروم‌اند.

مکاتب متوسطه: نفوس پسران و دختران کشور از سن ۱۳ تا ۱۵ ساله که باید شامل مکاتب متوسطه باشند (۱۰۲۰۰۰۰) نفر است، که ازین جمله صرف اسم (۴۷) هزار نفر یعنی ۴/۶ فیصد آن ظاهراً شامل تعداد داخله مکاتب مذکور می‌باشد. باقی ۹۴/۴ فیصد بدون کوچکترین توجه اجتماعی و تأمینات آینده سرگردان گذاشته شده‌اند.

لیسه ها و مکاتب مسلکی: گروپ سنین ۱۶ الی ۱۸ که باید شامل لیسه ها و مکاتب مسلکی شوند به (۸۷۲۰۰۰) نفر می‌رسد، که از آنجمله تنها ۲۱۲۰۰ نفر یعنی ۲/۸ فیصد آن داخل لیسه ها و مکاتب مسلکی‌اند. بر فرض قبول صحت ارقام فوق باز هم ۹۷/۲ فیصد دیگر جوانان بالقوه نیرومند کشور (شامل سن ۱۶ – الی ۱۸) بدون داشتن تعلیمات ثانوی و مسلکی در بیکاری مزمن و یا فصلی و یا نیمه بیکاری زندگی پر از درد و افسردگی را سپری می‌نماید

- تعداد معلمان برای مکاتب متوسطه، مسلکی و لیسه ها طبق طرح پلان سوم به (۱۳۲۹۰) معلم می‌رسد. آنچه مسلم است کمبود معلم در افغانستان است که از اهم مسایل معارف کشور بشمار می‌رود و حکومت‌ها نمی‌توانند درین زمینه خود را تبرئه کنند.

پوهنتون: محصلان پوهنتون افغانستان به (۴۷۵۸) نفر و مجموع استادان داخلی و خارجی به ۵۶۹ نفر می‌رسد که نسبت به کشورهای دیگر ناچیز ترین تعداد را نشان می‌دهد.

باید خاطرنشان گردد که در هر سال تحصیلی در یگانه پوهنتون افغانستان (بشمول پوهنځی طب ننگرهار) بنا بر سود ارتجاع کمترین فارغ‌التحصیل لیسه های مرکز و ولایات مجال تحصیلات عالی دارند.

وضع مکاتب مسلکی و حرفه‌یی در کشور:

یکی از نواقص عمده پالیسی معارف در کشور همانا عدم توجه جدی به حل مسأله قلت پرسونل فنی از یکسو و کندی آهنگ رشد اقتصادی از سوی دیگر می‌باشد. ما بارها به این نکته حیاتی فشار وارد کرده‌ایم که این آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ دیگر برای خلق افغانستان قابل تحمل نیست. معهذا حتی آهنگ رشد فرهنگ کشور بخصوص از لحاظ ایجاد کادرهای وسیع فنی ملی با سطح رشد اقتصاد کنونی نیز هماهنگی ندارد.

تعجب‌آورتر اینست که از یکطرف بیش از ۸۰ هزار کارگر ماهر در کشور بیکارند و از جانب دیگر در درجه اول پلان سوم تعداد مورد نیاز کارگران ماهر و پرسونل فنی تا ۲۱ هزار نفر و متخصصین دارای تحصیلات عالی و وسطی اختصاصی طی پلان سوم در رشته‌های مختلف ده هزار نشان داده می‌شود، ولی وزارت معارف ادعا دارد که آهنگ رشد معارف سریع‌تر از رشد معیوب اقتصاد کشور است.

بهر حال آنچه که در عمل موجود است عبارت از اینست که: از یکسو وضع تعلیمات فنی و حرفه‌یی در سطح متوسطه و عالی در کشور از لحاظ کمی و کیفی ناچیز است و از سوی دیگر عدهٔ قلیلی هم که وجود دارد کاملاً به بازار کار و صنعت جذب نمی‌شوند و اکثریت آن‌ها با بیکاری و سرگردانی روبرو استند. رشد سریع اقتصاد کشور نیازمند ایجاد وسیع کادر معلمان و کادر فنی ملی می‌باشد.

با تمام این مسأله که صحت ارقام فوق‌الذکر مشکوک است، باز هم ارتجاع افغانستان در برابر توسعه جبری معارف متوازن از لحاظ کمی در کشور دست به کارشکنی‌های مشهودی می‌زنند.

حتی بناغلی وزیر معارف و معاون صدارت در جلسه سؤال تلویحاً اعتراف کرد که در محافل حاکمه افغانستان هستند کسانی که بی‌شرمانه میگویند جلو توسعه معارف را باید گرفت و حتی میگویند که دروازه‌های پوهنتون را باید بسته کرد!

درباره پروگرام کهنه درسی و نفوذ فرهنگ ارتجاعی فئودالی و استعماری در آن، فقدان وسایل و شرایط لازم درسی، آشفتگی و هرج‌ومرج کیفی امور تعلیمی و دستگاه وزارت معارف می‌توان بسیار سخن گفت که نکات مهم آن بصورت خلاصه ذیلاً فورمولبندی می‌گردد.

- صدها مکتب در کشور بنام مکتب است. غالباً کلاس‌ها درسی اطفال در هوای آزاد و زمین نم دار و یا در زیرزمینی و ساختمان‌های کهنه و شکسته دایر می‌شود و درحالی‌که شاگردان یا از سرما میلرزند و یا در برابر گرمای سوزان در حالت نیمه بیحالی به معلم خود خیره نگاه می‌کنند درس می‌خوانند، ساختمان‌های بسیاری از مکاتب هیچگونه شباهتی با مکتب ندارد، اتاق‌ها تاریک‌اند و یا اصلاً در و کلکین ندارند.

- اکثراً در یک اتاق سه صنف در عین زمان و توسط یک معلم درس می‌خوانند.

- کتب درسی از یکسو از لحاظ کیفیت کهنه و قابل‌استفاده درست شاگردان نمی‌باشد و از سوی دیگر فوق‌العاده کمیاب است غالباً شاگردان وقت خود را در نوت گرفتن می‌گذرانند.

محتوی کتب درسی برای کشور خجالت‌آور بوده و مجموعه‌یی از مطالب پیچیده و غیر مفهوم، پر از اغلاط، نادرست و کهنه است. حتی بسیاری از محتویات کتب درسی بسویه مکاتب ابتدایی، متوسطه لیسه ها و پوهنځی‌ها (فاکولته) حاوی معلومات قبل از جنگ عمومی اول است که صدها مثال آن در کتب درسی، در مضامین تاریخ، منطق، فزیک، بیولوژی ... و غیره بسویه لیسه‌ها و پوهنځی‌ها موجود می‌باشد.

همچنان از نظر کیفیت تدریس، کمبود معلم و استاد و اینکه اکثریت معلمان و استادان از تخصص در رشته تدریس خود فاقد تحصیلات پداگوژیک و عدم آشنایی به اصول تعلیمی نقش منفی بزرگ ایفاء می‌نمایند. عجیب است که به هنگام انتصاب معلم و استاد توجه به تخصیص وی می‌گردد، صدها مثال موجود است که برای معلم یک رشته معین رشته ای که به آن آشنایی ندارد تعیین می‌شود مثلاً فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی مؤظف می‌شود تا ساینس را تدریس کند و قس‌علهذا، سطح فوق‌العاده پایین تدریس، وضع اسف‌انگیز محیط تحصیلی، پروگرام تدریس و کادر تعلیماتی، فقدان وسایل و تجهیزات لازم علمی از قبیل کتابخانه‌ها، لابراتوارها ... و غیره، رشوه و ارتشاء، کمی معاش معلمان، تهدید و تخویف آن‌ها، اخراج و تغییر و تبدیل‌های خودسرانه آنان و غیره همه مسایلی است که از یکسو معلمان و محصلان را دلسرد می‌سازد و از سوی دیگر موجب تضعیقات و مایوسیت یکعده از معلمان وطن‌پرست و زحمتکش کشور می‌گردد.

ما بکمال احترام و تقدیر به آن معلمان و استادان نجیب کشور که با همه موانع، تهدید و دشواری‌های فوق‌الذکر باز هم بدرستی وظیفه خود را در زمینه تعلیم و تربیت نسل جوان افغانستان ایفاء می‌نمایند – می‌نگریم. همچنان به آن جوانان وطن‌پرست که سعی و کوشش خود در اثر تجدید تربیت خود بشیوه مترقی و مطالعات شخصی دانش و پرورش کسب می‌نمایند و با وصف تمام موانع و مشکلات بحیث وطن‌پرست و دوستان خلق در نهضت کشور سهم می‌گیرند، درود و ستایش خود را تقدیم می‌داریم.

بناغلی اعتمادی! به استناد این حقایق تلخ و ارقام چطور می‌توانید حکومت‌های سلف و حکومت خویش را در برابر وضع فلاکتبار معارف از لحاظ کمی و کیفی در برابر موج عظیم نهضت معارف خواهی و خواست مبرم خلق افغانستان در زمینه بسط و توسعه معارف متوازن بر مبنای طبقات تبرئه کنید؟ انتظار داریم در مسایل فوق توضیحات مشخص داده شود.

از (ص اول)

پنجاه سال استقلال ...

برداشتند و زشت‌ترین و سیاه ترین سیاست استعماری عیان خود را در افغانستان تعمیم دادند و با آنکه مقاومت و دفاع دلیرانهٔ خلق‌های کشور در دو جنگ کبیر وطنی، امپراطوری بزرگ بریتانیه را که در آن وقت بر قسمت اعظم جهان تسلط داشت، به لرزه درآورده بود، اما در اثر زدوخورد ردها و تضادهای فئودال‌های محلی و سیاست استعماری انگلیس وطن محبوب ما مورد تهاجم قرار گرفت و اشغالگران انگلیسی یک قسمت پرارزش از وطن واحد ما (پشتونستان و بلوچستان) را در اثر خط تحمیلی دیورند از پیکر وطن، علی‌الرغم اراده خلق‌های کشور جبراً جدا کردند و مستقیماً جزء اداره استعماری هند بریتانوی قرار دادند و دیگر قسمت‌های کشور را بنا بر مقاومت قهرمانانه خلق‌های افغانستان بصورت غیرمستقیم از طریق امارت نشینی های دست‌نشاندهٔ خویش تحت نفوذ سیاسی در آوردند.

نیروهای استعماری کهن به اتحاد فئودال‌های داخلی از زشت ترین و وحشیانه‌ترین و ارتجاعی ترین طرز اداره استعماری و فئودالی در افغانستان استفاده کرده‌اند. بورژوازی استعمارگر و سود پرست انگلیس برای اینکه از تنور و جنبش آگاهانه خلق‌های کشور جلوگیری نماید، با تمام قدرت و امکانات تلاش کرده است تا نظام فئودالی را در افغانستان حفظ نماید و راه انکشاف اقتصادی و فرهنگی کشور را مسدود سازد.

این وضع هلاکت بار و جابرانه با تمام شدت خود ادامه یافت تا اینکه جهان بعد از جنگ عمومی اول داخل عصر انقلاب‌های خروشان رهایی‌بخش ملی گردید. درحالی‌که آمپریالیزم انگلیسی استقلال ملی و آزادی ملت افغانستان را منکوب نموده و خلقهای کشور ما را به زنجیر بردگی ظالمانه استعمار کشانیده بود، ظهور تغییرات در جهان در اواخر جنگ عمومی اول در ۱۹۱۷ عصر رهایی ملل ستمدیده را بشارت داد و به تسلط بلامنازع امپریالیزم بر جهان پایان بخشید و برای مبارزه ملل تحت ستم در راه آزادی و استقلال ملی امکانات فراوان پدید آورد و در نتیجه شرایط مساعد داخلی و خارجی و در اثر قیام مسلحانه آزادی‌بخش ملی (۱۹۱۹ ع) خلق‌های افغانستان تسلط استعماری کهن در کشور پایان یافت و یکی از حلقه های زنجیر امپریالیزم بین‌المللی را نیز درین گوشه جهان در هم شکست و در نتیجه افغانستان به استقلال سیاسی نایل آمد.

از آن تاریخ تا کنون پنجاه سال می‌گذرد ولی به کمال تأسف بنا بر تسلط و نفوذ همان پنج چنگال ددمنشانه (ارتجاع، استبداد ستم ملی، استثمار و استعمار جدید) تا کنون جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های افغانستان در همان مرحله استقلال سیاسی متوقف مانده و بسر منزل نهایی نرسیده است، و همچنان فقر، بیماری، جهالت، بی‌سوادی و عقب‌ماندگی قرون متوالی دامنگیر خلق‌های کشور ماست.

بدین ترتیب تا کنون مبارزه آزادی‌بخش ملی خلق‌های افغانستان بپایان نرسیده است، زیرا جنبش آزادی‌بخش ملی تنها با احراز استقلال سیاسی خاتمه نمی‌پذیرد. هرگاه جنبش آزادی‌بخش ملی به تغییرات عمیق و بنیادی در زندگی اجتماعی و اقتصادی نیانجامد و وظایف حیاتی رستاخیز ملی را ایفاء نکند و به استقلال کامل اقتصادی نرسد و در همان مرحله استقلال سیاسی محدود ماند، چنین استقلالی، استقلال سست بنیاد، صوری و موهوم خواهد بود و کشور پیوسته آماجگاه استثمار نیمه استعماری قرار خواهد گرفت.

روی این حقایق مسلم است که توان گفت مبارزه آزادی‌بخش ملی کشور ما پایان نیافته و بعد از پنجاه سال اکنون پا بمرحله نوینی از جنبش گذاشته است. در این مرحله است که خلق‌های کشور ما برای احراز استقلال اقتصادی و تقویت استقلال سیاسی خود می‌کوشند و همچنان بنا بر درک و تشخیص قانون عینی این مرحله تاریخی جامعه ما ست که نیروهای پیشتاز دموکراتیک خلق و تمام نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور در راه سوق پیگیر جنبش دموکراتیک ملی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی به سرمنزل نهایی آن و در راه ایجاد دولت دموکراسی ملی مجدانه مبارزه می‌کند، افغانستان وطن محبوب ما، به استقلال ملی و آزادی و ترقی اجتماعی و سرانجام به هدف غایی نایل آید و تسلط این پنج پنجال شوم را از تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ریشه کن سازد.

(بقیه ص ۲)

وضع کنونی جنبش ...

همین دلیل جنبش‌های مذکور نمی‌توانند بمرحله استقلال سیاسی متوقف گردند، بلکه باید مزیداً در جهت بدست آوردن استقلال سیاسی رشد و انکشاف نمایند.

درست است که اهداف اقتصادی آزادی ملی در دوران ما قبل امپریالیستی نیز اهمیت داشت، ولی دران زمان امر جنبش آزادی‌بخش ملی محضاً محدود به ایجاد شرایط سیاسی برای حل آن‌ها بود. هنوز سیستم مناسبات اقتصادی سرمایه‌داری جهانی تقسیم نابرابر کار آن به ظهور نه پیوسته بود، انحصارات مالی ای که بتواند با کمک این سیستم و از طریق تقویه و حمایه آن، دولت‌های شکلاً مستقل را در تحت تسلط خود در آورد وجد نداشت. علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را تابعیت سیاسی آن‌ها به کشورهای استعمارگر تشکیل می‌داد، درحالی‌که، امروز وابستگی کشورهای کم انکشاف بنا بر تابعیت سیاسی آن‌ها به کشورهای استعمارگر نیست، بلکه وابسته به موضع اقتصادی آن‌ها در سیستم بین‌المللی تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی می‌باشد. در سابق قطع علایق و پیوندهای سیاسی بین یک مستعمره و کشور استعمارگر بطور بنیادی پرابلم آزادی ملی را حل می‌کرد. دولت ملی و رشد خود به خودی سرمایه‌داری داخلی زمینه را برای رهایی نسبتاً سریع‌تر از وابستگی اقتصادی آماده می‌کرد.

(باقی دارد)

پرچم
د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

په تېره هفته کی د نړی مهمی پېښی

پاریس: دفرانسی د زیار ایستونکو اعتصابونه چه د می په دیار لسمه شروع شوی وو، تر اوسه پوری دوام لری او دهغوی لمن ورځ تر ورځی پراخیږی. د نقلیاتو ټول وسائل دریدلی، هیڅ قطار حرکت نه کوی او ۱۵ زرو ټکسیانو توقف کړیدی. اوس داعتصاب کوونکو شمیروار زیاتیږی، دبندرونو، کانونو او ټولو صنعتی دستګاوو کارګران په اعتصاب کی دی. دفرانسی د مالیی د وزارت کار کونکو هم لاس په اعتصاب پوری کړیدی.

او اوس دفرانسی ټول قشرونه سیاسی او اجتماعی مبارزی ته ورننوتی دی. بزګرانو په دله ایزه توګه وانبو نه بند کړیدی پرلی، ټولی ښارونو ته ننوزی او له کارګرانو سره د یو والی ناری وهی.

د اعتصاب کو ونکو شمیر لسو ملیونو کسانو ته رسیدلی دی.

د مترقی جریان اعلامیه د پاریس د وروستیو اعتصابونو او او تظاهراتو په باب کی دا ده: «مبارزه د زیاتی آزادی لپاره، د ښه ژوند او هوسیانی لپاره د یو مترقی او دموکراتیک دولت هستول چه فقط د تو لو ملی قوتونو په اتحاد موفقیت ته رسیدلای شی.»

د پاریس خبرونه ښیی چه د فرانسی د اعتصابونو وړاندی دوه متفاوت جریانونه موجود دی: یوی ځوانه کارګران او زیار ایستونکی محصلان او روشنفکران واقع دی چه د ژوند د ښیګڼی او دموکراتیکو آزادیو غوښتونکی دی، او بلی خوانه یوه کوچنی ډله ماجراجویان ولاړ دی چه غواړی له دی پیښو ځخه د خپلو شخصی مقاصدو په ګټه استفاده وکړی.

د «اومانته» ورځپاڼی د فرانسی د کارګرانو هښیاری او بیداری ستایلی او لیکلی یی دی: کارګرانو له خپلو مشخصو او معینوی شعارو نو سره د مبارزی په ډګر کی پښه ږښی ده. دټولی فرانسی په ګردو کنار چا نو کی داسی شعار ندی ور کړشوی چه د حکومت تشدد ته میدان ورکړی، او دا پخپله د کارګرانو د هوښیاری، سیاسی رشد او بشپړی آګاهی دلیل دی.

د فرانسی د کارګرانو دا ستر نهضت، په غربی اروپا کی تر ټولو لوی کاګری نهضت دی.

* * *

په ویتنام کی:

سایګون: د ویتنام د ملی آزادی بخښوونکی جبهی کی یو غړی وویل: اوس په ټولو جبهوکی ابتکار زمونږ د یو نټو نو په لاس کی دی، زمونږ یو نټو نه اکثراً د راکټو نو، توپچی او د ځمکنیو را کټونو لرونکی دی، دامریکی د دفاع وزارت اطلاعاتو او خپرونی زمونږ د عسکرو شمیر له ۳۰۰ تر ۴۰۰ زره پودی حسابوی حال داچه د تیر کال تر پایه پوری زمونږ د یو نټو نو شمیر تر یو ملیون نفره پوری رسیده. امریکائیان د خپلو تلفاتو اندازه تل د واقعیت ځخه کمه بنکاره کوی خو سره لدی هم کوم ارقام چه آمریکایی مقاماتو له خوا خپریږی له هغی ځحه د امریکی د تلفاتو زیاتوالی ځرګندیږی. یوه تیره هفته کی د امریکی ۵۴۹ تنه وژل شوی او ۲۲۸۲ تنه ټپیان شوی دی. په تیرو ځوار لسو ورځو کی د امریکی د (۱۱۱۱) تنه وژل شوی دی چه دغه شمیر د جنګ له نښتی نه تر اوسه پوری بی سازی دی.

د ویتنام د ملی آزادی بخښونکی جبهه په خپلی وروستی اعلامیه کښی خبرورکوی چه د جنوری د یو دیرشمی نیټی را پدی خوا چه په جنوبی ویتنام کی د وطن پالونکو قوتونو شدیدی حملی شروع شوی دی تر اوسه پوری د امریکی، د سایګون د حکومت او دهغوی د متحدینو (۲۵۳۰۰) تنه د مبارزی نه صف ځخه ایستل شوی دی چه په دی جمله کی (۸۴۵۰) تنه آمریکایی عسکر شامل دی همدا رنګه په سلګونو ماشینونه، جنګی وسایل، ادی، بیړی، داوسپنی قطارونه او په زرګونو نود جنګی آلات له منځه وړل شوی دی او په همدی موده کی (۳۰۰) الوتکی او هلکوپترونه په هوا او ځمکه کښی له منځه وړل شوی دی.

* * *

هانوی: آمریکایی الوتکو د ویتنام په دموکراتیک جمهوریت باندی خپلو حملو ته شدت ورکړی دی او د شپی په ورځ یی د حملو شمیر۱۳۵ ته رسیږی. د شمالی ویتنام اور غور ځو ونکو پدی ورځ کی (٤) امزیکائی الوتکی را غور ځولی دی.

* * *

پاریس: د تیری پنجشنبی په ورځ د فرانسی یوی لوی ډلی ځوانانو، ډاکترانو، منورینو او ښځو په فرانسه کی د ویتنام د دموکراتیک جمهوریت د نمایندګی له یو غړی سره ملاقات وکړ او دهغو په ترڅ کی یی د ویتنام د خلکو مشروعو مبارزه ځخه خپل ملاتړ بنکاره کړ هغوی د دموکراتیک ویتنام دنمایندګی غړی ته خپل فیصله لیک وسپاره چه په هغه کی په زر ګونو لاسلیک کړی ؤ او د ویتنام په دموکراتیک جمهوریت باندی یی د آمریکایی الوتکو د هوائی حملو د سمدستی بس کولو غوښتنه کړی وه. د دی فیصله لیک یو نقل په پاریس کی د امریکی سفارت ته هم استول شوی دی.

* * *

لندن: د نیویارک تایمز ورځپاڼی لیکلی دی چه: پداسی حال کی چه د نړی خلک د پاریس د کنفرانس مطلوبو نتائجو ته انتظار لری په واشنګټن کی د جنګ نوی تدارکات او نقشی سنجول کیږی

* * *

توکیو: د توکیو د کاریګرو په توکیو کی د امریکی تبلیغاتی رکلامونه مات کړی او دهغی په ځای کی په لاندنیو جملو سره یوه لوحه نصب کړی ده »د ویتنام په جګړو کښی دخپلو بی شرمانه جنایاتو دفاع مه کوئ، له هغه وینو ځخه چه و په ویتنام کی تو سیږی و شرمیږئ.«

تظاهرات کارګران فابریکه خانه‌سازی

در جاده‌های شهر

در شماره گذشته اطلاع داده بودیم که ائتلاف حقوق کارګران مختلف فابریکهٔ خانه‌سازی، باعث ایجاد فضای عدم رضائیت شدید کارګران از وضع موجود و بر خورد غیرقانونی ریاست فابریکه به خواست‌های قانونی آنان شده است.

اکنون خبرنګار ما اطلاع می‌دهد که پا فشاری غیرقانونی ریاست فابریکه در عدم اعتنا به خواست‌های کارګران، ایشان را مجبور ساخت تا در جاده‌های شهر دست به تظاهرات و تشکیل میتنګهای با حرارتی بزنند.

انګیزهٔ تظاهرات مذکور این بود که معاش دریوران و ماشینکاران وسایط نقلیه و غیره هنګامی که موترها یا وسایط مربوط شان معروض به عارضه‌یی می‌شود تا مواقعی که دوباره ترمیم می‌ګردد تادیه نمی‌شود. ولو این مدت بنا بر عدم اعتنای خود ریاست فابریکه از ششماه و یکسال هم تجاوز کند. وقتی دریوران و ماشینکاران مربوط، با این امر غیر قانونی و ظالمانه اعتراض کردند رئیس فابریکه مانند همیشه بشیوه خشونت‌آمیزی اظهار کرد: »بروید! ... بشما ضرورتی نیست، با یک اعلان رادیو کارګران دیګری جلب و بجای شما مقرر خواهد شد «این برخورد غیرقانونی در پهلوی بی‌اعتنایی به سایر خواسته‌های صنفی کارګران که قسماً در شماره ګذشتهٔ پرچم به آن اشاره شده، منجر به عکس‌العمل جدی کارګران شده، سبب اعتراض شدید و تظاهرات آنان در جاده‌های کابل ګردید.

تظاهرات شاګردان

ښوونځی‌های میخانیکی. صنایع و نرسنګ

قرار معلوم شاګردان ښوونځی های میخانیکی، صنایع و نرسنګ از چندی باینطرف به خاطر بر آورده شده مطالبات صنفی‌شان در حالت اعتصاب بسر می‌برند و تاکنون چندین یار به شکل تظاهرات منظمی در برابر وزارت معارف اجتماع نموده در نقاط مختلف شهر میتنګ‌هایی دایر نموده‌اند. به روز سه شنبه ۳۱ ثور در اثر لت و کوب شاګردان میخانیکی از طرف ادارهٔ ښوونځی به همراهی متعلمین ښوونځی صنایع دست به مظاهره زدند و محصلان پوهنتون و عدیی از شهریان کابل، به غرض همدردی با آن‌ها و به عنوان اعتراض علیهٔ روش ظالمانهٔ ادارهٔ ښوونځی میخانیکی درین تظاهرات سهم ګرفتند، این تظاهرات در طول روز مذکور و همچنان بروزهای چهارشنبه و پنجشنبه ادامه داشت.

قرار اطلاع، شاګردان ښوونځی‌های مذکور در پایان تظاهرات روز پنجشنبه فیصلهٔ ادامه صادر و به مقامات مربوط سپردند.

گفته می‌شود اعتصاب شاګردان همچنان ادامه دارد.

اعتراض شاګردان ښوونځی رخهٔ پنجشیر

بر عمال حکومت

خبریال پرچم از ولسوالی پنجشیر مربوط ولایت کاپیسا اطلاع می‌دهد که بروز ۲۸ ثور شاګردان ښوونځی متوسطه رخه پنجشیر در صحن آن ښوونځی اجتماع نموده و علیه اضافه ستانی هیأت توزیع تذکره و شعب مسؤولی که تعمیر جدید ښوونځی رخه را بصورت نیم کاره، رسماً از تیکه دار تسلیم شده است، به شدت اعتراض می‌کردند.

خبریال می‌افزاید که فرزندان با هوش خلق زحمتکش پنجشیر، به ولسوال محل جداً خاطرنشان ساختند که، جلو خود سری‌ها و اضافه ستانی های هیأت توزیع تذکره را بګیرد، همچنان نظرات قانونی خود را به ولسوالی مذکور ابراز و ګوشزد کردند که تیکه دار تعمیر ښوونځی و مهندسان مربوط طی ده سال ګذشته در حدود پنجاه لک افغانی را از حاصل رنج و خون دل مردم تهیدست افغانستان با زرنګی‌های خاصی به غارت برده و در عوض یک عمارت ناقص نا مکمل به وزارت معارف تسلیم داده‌اند و هنوز که یک سال از استفاده آن سپری نشده است، روزی و ماهی نیست که ګوشه‌یی از آن فرو نریزد و یکقدم دیګر بسوی انهدام نزدیک نشود.

خبرنګار علاوه می‌کند: با آنکه شاګردان عمیق‌ترین احساسات وطن‌پرستانه خود را در مورد حیفومیل دارایی عامه و دستبرد به خزانهٔ مردم بی‌دفاع کشور ابراز داشته‌اند، متأسفانه معاون ښوونځی چند تن از شاګردان آګاه و وطن‌پرست را خلاف موازین علمی تعلیم و تربیت نوین و خلاف ارزش‌های دموکراتیک قانون به اسلوب قرون‌وسطایی، لت و کوب کرده و خواسته است تا بدین وسیله فریاد حق خواهی را در ګلوی نو، درین ګوشهٔ کشور خفه کند و جرأت و شهامت اخلاقی و ملی فرزندان خلق کارګر پنجشیر بی‌رحمانه سرکوب نماید.

وضع توزیع کود کیمیاوی در ولسوالی خلم

بتعقیب خبر توزیع کود کیمیاوی در ولایت پروان، اطلاع تازه‌ای از ولسوالی خلم رسیده است. این اطلاع که توسط ښاغلی هلال الدین دهقان ارسال شده، حالت رقتبار دهقانان آنجا را در برابر توزیع کود کیمیاوی نشان می‌دهد، او می‌نویسد:

توزیع کود کیمیاوی به نفع یک گروه ملاک ستمګر بوده و بر دهقانان عادی فشارهای تازه‌ای را تحمیل می‌کند. موصوف یادآور می‌شود که در سال‌های ۴۲-۴۱-۴۳ وزارت زراعت توسط به اصلاح وکیل زارعین آنوقت ولسوالی خلم، بنام کود کیمیاوی یک مشت پول را بر زمینداران و باغداران کوچک ریزش کرد، ولی در نتیجه کود کیمیاوی را به ملاکان بزرګ دادند و باقیماندهٔ قیمت کود کیمیاوی را دوباره از دهقانان کوچک تحصیل کردند. ښاغلی هلال الدین می‌افزاید چون بر من نیز در جملهٔ دهقانان دیګر تجاوز و ستم شده بود، موضوع را به محاکم کشیده و باثبات رسانیدم.

اطلاع علاوه می‌کند که توزیع کود کیمیاوی تحت شرایط موجود به نفع دهقانان نبوده، بلکه وسیلهٔ ایجاد بازار سیاه و بهره‌کشی مزید از دهقانان می‌ګردد.

تذکر: نسبت تراکم مضامین، باقیمانده مضمون (طبقات و مبارزه طبقاتی) و داستان (جولیوس فوچیک) از شماره آینده دنبال می‌شود

خونبها

مرا به نالهٔ طفلان بی‌نوا قسم است،
مرا به اشک یتیم برهنه پا قسم است،
به درد کارګران،
برنج رنجبران،
به قلب پر غم و دستان خالی دهقان،
به مرګ بی کفنان ...
که بار ما و تو ای دوست سخت سنګین است،
نفاق ما و تو در زید بار ننګین است،

* * *

به عزم محکم قربانیان استبداد،
به خون سرخ شهیدان راه آزادی،
به اتحاد خلل ناپذیر نسل جوان،
به رستخیز زمان،
به خشم خلق و عصیان توده‌ها قسم است ...
که اتحاد من و توست مرګ دشمن خلق،
بیا، که ما و تو جان و دلیم در تن خلق،

* * *

بیا، که خون شهید جوان آزادی،
چون داغ در دل سنګین جاده‌هاست هنوز،
و لیک دیو ستم:
برسم پار و پرار،
برهنه کرده سلاح،
به خشم و تشنهٔ خون من و شماست هنوز،

* * *

بیا، بیا که بهم همچو جان بیامیزیم،
حصار خویشتن و سنګر نبرد شویم،
به خلق‌های ستمکش نوید فتح دهیم،
به ارتجاع و ستم بی امان برزمیم.
به خونبهای شهیدان ...
بر افګنیم زپای:
دژ نظام ستم، کاخ ارتجاع کهن،
بارق شفیعی

اعتصاب کارګران فداکار مطابع دولتی

بروز پنج جوزا کارګران مطابع دولتی نسبت تعلل مقامات مربوط در مورد جواب به خواست‌های صنفی و قانونی‌شان که بتاریخ اول جوزا طی یادداشت جداګانه یی به ریاست مطابع دولتی تقدیم کرده بود دست به اعتصاب قانونی زدند.

خواست‌های کارګران مطابع دولتی را، تجدیدنظر در درجه و معاش، کوپون مواد ارتزاقی، بهبود وضع بیمه و مأکولات، تهیه موتر برای حمل‌ونقل کارګران از حوزه کار به خانه‌های شان و از آنجا به مطبعه، و قایل شدن برخصتی بعدازظهر روزهای پنجشنبه، ایجاد اتحادیه کارګری و به رسمیت شناختن یک روز از روزهای سال بنام روز کارګر و غیره تشکیل می‌دهد.

رئیس مطابع دولتی در جریان اعتصاب به حضور کارګران حاضرشده، ضمن دادن وعده مجاهده برای بر آورده شدن خواست‌های قانونی کارګران در ذیل نبشته یک از کارګران مذکور چنین نبشت:

»من به تماماً آرزو های شما موافقه دارم و بحیث وکیل شما به مقامات رفته خواهشات شما را تقدیم امید است برآورده شود. با احترام«

پرچم: خواست‌های قانونی و صنفی کارګران شریف و زحمتکش مطبعهٔ دولتی را تأیید و در راه برآورده شدن آن به مبارزهٔ خود ادامه می‌دهد.

د ابوداؤ د سجستانی

دښوونځی د شاګردانو مظاهره

دثور د لسمه ورځ دنیمروز د ولایت پخوانی مرکزکنګ کی د ابوداود سجستانی د ښوونځی زده کونکو په مظاهری لاس پوری کړ، چه ددغی ورځی تر پایه پوری یی دوام درلود.

اطلاع وائی چه ددغی مظاهری علت دا و چه یو تن زده کونکی د پوهنی د مقاماتوله خوا د دومیاشتو دپاره د تعلیم له حق ځخه محروم شوی و. نورو زده کونکو د نو موړی شاګرد له حقوقو ځخه ددفاع په غرض مظاهری په اثر پوهنی مقامات له خپل تصمیم ځخه اوښتی دی.

اعتصاب کارګران فابریکه‌های

پشمینه بافی پل چرخی و بایسکل سازی

گفته می‌شود که کارګران فابریکه‌های پشمینه بافی پل چرخی و بایسکل سازی بغرض بهبود شرایط کار، ازدیاد معاش و غیره مطالبات صنفی خویش دست به اعتصاب زده‌اند. ولی تا کنون از طرف مقامات مربوط به مطالبات شان جواب قناعت بخش داده نشده.

پرچم: از خواست‌های قانونی کارګران مذکور جداً حمایت نموده، مبارزه خود را در راه تأمین حقوق صنفی آنان ادامه می‌دهد.

پرچم
هره دوشنبه خپریږی

د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسؤول مدیر:
سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکز کی د کال ۱۰۰ ــ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه ګڼه ۲ ــ افغانی

تایپ: عبدالستار خوژمن، ویرایش جدید: عمر فیض

دولتی مطبعه